

## سیاستمداران ایران در اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا

### بخش ششم

۷۸- فرخی، محمد

محمد فرخی (یزدی) در حدود سال ۱۸۸۵/۱۲۶۴ خ. در یزد دیده به گیتی گشود. سواد و دانش را نزد خود آموخت. مردی پرکشیده از یک خاندان طبقه سوم بود. از هنگام وقوع انقلاب ۱۹۱۷ روسیه مجذوب کمونیسم شد و از سال ۱۹۲۲ دست به نشر و نگارش روزنامه‌ای به نام طوفان زد. این روزنامه هشت سال ادامه یافت. در اینمدت هشت بار به محاق توقیف و تعطیل کشانده شد. خود فرخی چند بار از تهران تبعید شد یکبار نیز به سفارت روسیه تحصن اختیار کرد.

در دوره ۷ قانونگذاری به نمایندگی مجلس انتخاب شد و شدیداً به انتقاد از حکومت پرداخت. بدون در دست داشتن گذرنامه در سال ۱۹۳۰ به روسیه رفت. بعد از توقف کوتاه در آن کشور به آلمان رهسپار شد و در آلمان به نگارش روزنامه‌ای به زبان پارسی به نام نهضت (ترقی) دست زد. در سال ۱۹۳۲ از سوی حکومت آلمان این روزنامه توقیف شد. او تصمیم گرفت در آلمان به زندگی خود ادامه دهد و شروع به سرودن اشعار انقلابی کرد.

۷۹- فرزین، محمد علی

محمد علی فرزین تقریباً به سال ۱۸۸۲ / ۱۲۶۱ خ. تولد یافت. او دبیر کلوب اروپایی در تهران می‌بود که کار خود را در اداره گمرک شروع کرد. در ۱۹۱۳ به حزب دموکرات ایران پیوست. شخصیت ممتازی بدست آورد. در دوره سوم قانونگذاری نماینده مجلس شد و به همراه گروه طرفداران آلمان در ۱۹۱۵ تهران را ترک گفت. بعد از پایان جنگ جهانی به تهران بازگشت. به معاونت وزارت دارایی رسید.

در سال ۱۹۲۴ وزیر مختار ایران در آلمان شد، این پست را تا ۱۹۲۸ حفظ کرد. در ۱۹۳۹ سفیر ایران در کابل گردید، ولی بعلت آشوب سیاسی در افغانستان به تهران

بازگشت. در فوریه ۱۹۳۹ وزیر امور خارجه و در سپتامبر ۱۹۲۹ وزیر مالیه شده. اما در نوامبر ۱۹۳۰ بعنوان وزیر خارجه دگر باره این وزارتخانه انتقال یافت. در مه ۱۹۳۰ وزیر مختار ایران در آلمان شد در ۲۵ ژوئن برلن را ترک گفت.

وی نه در مقام وزارت مالیه نه وزارت خارجه ابتکاری از خود نشان نداد. او در پست‌های خود مجری دربار است و کوچکترین وزنی ندارد. احتمالاً آدمی کم علاقه بکار است. فرزین در پست وزارت خارجه همیشه مؤدبانه در کارها اشکال تراشی کرده است. بنظر می‌رسد هیچ نوع فعالیت فکری در او دیده نمی‌شود.

در دسامبر ۱۹۳۱ بعلت درج مقالاتی انتقادی در روزنامه مونیخ علیه شاه با همه نزدیکی به تیمورتاش به ایران احضار شد.

او در سقوط تیمورتاش از هر گزند در امان ماند. بعنوان عضو هیأت مدیره بانک ملی در آغاز سال ۱۹۳۳ بکار ادامه داد.

فرزین به زبانهای فرانسه و آلمانی حرف می‌زند.

#### ۸۰- فاطمی، مهدی (عمادالسلطنه)

مهدی فاطمی، (عمادالسلطنه) تقریباً در ۱۸۸۶ / ۱۲۶۵ خ. دیده به گیتی گشود. او دارای کاریب وزارت مالیه است و در سال ۱۹۱۸ پیشکار مالیه در شهر بومی خویش اصفهان شد؛ در این شهر به جهت خانواده خود و خاندان زنش دارای نفوذ زیادیست. زن او دختر پرنس ظل السلطان است. در سالهای ۲۳ - ۱۹۲۲ نماینده دولت در فارس شد، و در دوره‌های پنجم و ششم بعنوان نماینده مجلس تعیین گردید. در اگوست ۱۹۲۵ وزیر معارف شد و در دسامبر به وزارت داخله رسید. سابقاً فاطمی به تریاک اعتیاد داشت و قمار بازی می‌کرد، ولی وقتی داری مقامات عالیه شد او از این کارها به جهت بهم خوردن سلامتی‌ش دوری گزید. او بعنوان وزیر و وکیل به موفقیت‌هایی نایل آمده است.

در سال ۱۹۲۸ مورد بی‌مهری دربار قرار گرفت، از اینرو به نمایندگی دوره ۷ انتخاب شد. اما به سال ۱۹۳۰ در دوره ۸ دگر باره نماینده مجلس شده. او موقعیت اجتماعی و دوستانه با سفارت پادشاهی دارد.

در دسامبر ۱۹۳۳ حکمران گیلان شد او به هیچ زبان خارجی آشنائی ندارد.

#### ۸۱- فروغی، محمد علی (ذکاءالملک)

محمد علی فروغی (ذکاءالملک) تقریباً در ۱۸۷۳ / ۱۲۵۲ خ. متولد شده. وی پسر

میرزا محمد حسین است. اصلاً از شهر اصفهان و از خانواده یهودی است.

او خود را یک حقوقدان می‌داند، مدتی پست ریاست دیوانعالی تمیز را عهده‌دار بود؛ در میان همشهریان از شهرت خوبی برخوردار است. او به سال ۱۹۰۹ معلم خصوصی احمدشاه بود و در سال ۱۹۱۰ به ریاست مجلس شوری برگزیده شد، اما در سالهای بعد از اینکار کنار گرفت وزیر مالیه شد. او در کابینه‌های گوناگون در سالهای ۱۹۱۵ - ۱۹۱۱ وزیر عدلیه گردید و همین که از کار دولتی فراغت می‌یافت به قضاوت در استیناف می‌پرداخت. به سال ۱۹۱۹ به عضویت هیأت اعزامی جهت شرکت در جلسه جامعه ملل تعیین شد، ولی اینکار انجام نگرفت. در بازگشت از اروپا به سالهای ۲۴ - ۱۹۲۳ وزیر امور خارجه شد و سپس عهده‌دار وزارت مالیه گردید. از اول نوامبر تا ۲۰ دسامبر ۱۹۲۵ عملاً کار ریاست وزرائی را انجام می‌داد. سپس رئیس الوزراء گردید و آئین تاجگذاری رضاشاه را تدارک دید. در کابینه مستوفی از ژوئن ۱۹۲۶ تا مه ۱۹۲۷ وزیر جنگ شد. در ژوئن ۱۹۲۷ او سفر کوتاهی به اروپا کرد و پس از بازگشت در پایان تابستان همین سال او بعنوان سفیر ویژه جهت مذاکره در مسایل مرزی به آنکارا مأموریت یافت و متعاقباً بعنوان سفیر ایران در بهار ۱۹۲۸ در آنکارا گمارده شد. او در سپتامبر ۱۹۲۸ جهت شرکت در جلسه جامعه ملل از سوی ایران به (لوکارنو) فرستاده شد. پس از آن مدتی با حفظ سمت قبلی در پست سفارت ایران در ترکیه باقی ماند. او در مارس ۱۹۳۰ به تهران فراخوانده شد. در آوریل عهده‌دار پست وزارت اقتصاد ملی گردید. ماه بعد وزیر امور خارجه شد. در سپتامبر ۱۹۳۳ بدنبال کناره‌گیری مهدقلی خان هدایت (مخبرالسلطنه) مأمور تشکیل دولت شد.

فروغی ناگهان بعلل بیماری در سوم دسامبر ۱۹۳۵ از کار کنار گرفت. اما علت حقیقی آن احتمالاً بجهت وابستگی او با ولی اسدی (نایب‌التولیه آستانقدس) می‌بود. دختر فروغی عروس اسدی بود. اسدی تحت تعقیب قرار گرفته بود. فروغی قربانی اسدی که اعدام گردید، شد.

همچنین گفته می‌شود فروغی از کار برداشتن حجاب زنان ناراضی بود از اینرو از نخست وزیری کناره گرفت.

فروغی زبانهای انگلیسی و فرانسه به روانی صحبت می‌کند.

۸۲- فروغی ، ابوالحسن

ابوالحسن فروغی تقریباً در ۱۸۷۸ / ۱۲۵۷ خ. پا به جهان نهاد. وی بزادر بزرگ محمد علی فروغی است. کار خود را بعنوان استاد فلسفه در وزارت معارف شروع کرد.

بعنوان یک معلم در تصوف افراطی شناخته شده است. وی چندین سال عضو شورای عالی معارف خدمت می کرد. مدتی نیز بعنوان رئیس مدرسه معمولی بکار پرداخته. بعنوان وزیر مختار در سال ۱۹۳۳ رهسپار پاریس شد. احتمالاً بمنظور سرپرستی دو کار تحصیل ولیعهد به این مأموریت اعزام شده بود. استاد در این مأموریت، بعنوان یک سیاستمدار نتوانست جا باز کند و در سال ۱۹۳۴ به تهران فرا خوانده شد.

### ۸۳- فروهر، ابوالقاسم

ابوالقاسم فروهر تقریباً در سال ۱۸۸۳/۱۲۶۲ خ. در تهران متولد شد. وی نواده میرزا عباس خان قوام الدوله است که مدتی وزیر محاسبات بود. فروهر تحصیلات خود را در رشته حقوق در سویس به پایان برده است. در سالهای ۲۱ - ۱۹۱۵ بعنوان قاضی در وزارت خارجه بکار مشغول شد و در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۳۴ رئیس اداره ساختمان شهرداری و در سالهای ۱۹۲۷ - ۱۹۲۶ به ریاست اداره محاکمات ارتقاء می یابد، و در سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۲۷ معاون مدیر کل اداره ثبت آثار در وزارت داخله انجام وظیفه می نماید. در سال ۱۹۲۹ معاون مدیر کل اداره ثبت آمار و احوال شد. بهنگام وزارت دوستش داور معاون وزارت مالیه گردید. در سال ۱۹۳۴ در التزام رکاب رضاشاه از ترکیه دیدن کرد. در ژوئن ۱۹۳۶ وزیر مختار ایران در پاریس شد، ولی بعلت انتقاد مطبوعات فرانسه از اوضاع ایران نکر ژانویه ۱۹۳۷ به ایران احضار گردید.

زن او یک دختر بلغاری است که از او صاحب سه فرزند می باشد.

ابوالقاسم فروهر مردی باهوش و احساساتی است به زبان فرانسه حرف می زند، انگلیسی نیز قدری بلد است.

### ۸۴- فیروز، فیروز (نصرت الدوله)

نصرت الدوله فیروز تقریباً در سال ۱۸۸۵/۱۲۶۷ خ. پا به جهان گذاشت. وی فرزند بزرگ پرنس فرمانفرمایان و از اجداد فتحعلیشاه، تحصیلات خود را در بیروت و سپس فرانسه به پایان رسانیده است. عضو انجمن و کلاب عدلیه پاریس می باشد. بهمراه پدرش در ۱۹۰۷ به کرمان رفت. مدتی در این استان حکمران بود. در سال ۱۹۱۲ برای ادامه تحصیل در رشته حقوق به اروپا برگشت. در سال ۱۹۱۵ به ایران مراجعت کرد و به معاونت وزارت عدلیه گمارده شد. در سال بعد مقام وزارت را احراز کرد و همچنین در سال ۱۹۱۸ دگر باره وزیر عدلیه و در سال ۱۹۱۹ وزیر امور خارجه شد. به همراه اجمدشاه در سال ۱۹۱۹ به اروپا رفت. از طرف پادشاه انگلیس به دریافت نشان (

G.C.M.G) نایل آمد.

در جنگ بین‌الملل تمایلات او بسوی متفقین بود. وی یکی از سه تن از کسانی بشمار میرفت که در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ شرکت داشت. او در پایان سال ۱۹۲۰ به ایران بازگشت و به همراه پدرش فرمانفرما در بهار ۱۹۲۰ به زندان سیدضیاءالدین طباطبائی افتاد. بعد از سقوط سید ضیاء به فاصله چند هفته از زندان رها شد. او از پادشاه گله داشت که چرا اجازه داد او بازداشت شود. نصرت‌الدوله بعد از این توقیف دارای احساسات شدید ضد انگلیسی شد.

در دوره ۴ و ۵ و ۶ قانونگذاری بنماینده مجلس تعیین گردید. سوءتفاهمات بین او و سفارت در ۱۹۲۳ برطرف گردید. در همان سال به حکومت فارس منصوب شد. در سال ۱۹۲۴ با موفقیت در این پست انجام وظیفه کرد. در اگوست و دسامبر ۱۹۲۵ وزیر عدلیه و در فوریه ۱۹۲۷ وزیر مالیه شد، تا ژوئن ۱۹۲۹ در این پست باقی ماند. در این سال به جهت سوءظن در دسیسه علیه حکومت مرکزی از سوی رضاشاه در منزلش تحت نظر قرار گرفت. در این جریان او بعلت فساد اداری تحت تعقیب قرار گرفت. معلوم شد وی در کار غله سوء استفاده کرده است و ۱۹۳۶ تومان دریافت کرده است. از اینرو در اول ماه مه او زندانی شد. چهار ماه در توقیف بود. از هر گونه حقوق شخصی محروم گردید. در ۱۲ ژوئن او آزاد شد. علت رهایی او از زندان ظاهراً به جهت بیماری بود، که اجازه داده شد در منزل خودش زندانی شود.

فیروز میرزا ظاهراً آدم بسیار باهوش و توانا در میان دولتمردان جوان دیده می‌شود. او یک سیاستمدار زیرکی است. او به هر حال بی اندازه بی مرام بود و از بیشتر هموطنانش نفرت دارد. گرچه روابط او با سفارت در سال ۱۹۲۳ به صلح و آشتی کشید، او در موقعیتهای سیاسی کمتر از رنجاندن انگلیسها پرهیز می‌کند. از این جهت کمتر مورد اعتماد ماست. در حقیقت او همه خصوصیات یک سیاستمدار نابکار را دارد و کمتر صفت خوبی در او می‌توان یافت.

محرومیت و محکومیت او از هر گونه حقوق اجتماعی او را از سیاست دور کرده از این رو کمتر پیش‌بینی می‌شود، او حتی مثل گذشته بتواند نقشی در صحنه سیاست ایران ایفا کند.

نصرت‌الدوله در ۱۹۳۷ زندانی شد. علت این زندانی ظاهراً به اینجهت می‌بود که روابط ایران با فرانسه بعلت درج مقالاتی از سوی او علیه شاه به تیرگی گراییده بود. وی با کاردار سفارت فرانسه قرار ناهاری داشته است. شایع است وی اعدام شده، ولی این خبر تأیید نشده است. فیروز میرزا نصرت‌الدوله به زبان فرانسه بروانی صحبت می‌کند و

کمی نیز انگلیسی بلد است.

۸۵- فیروز ، محمد حسین

محمد حسین (میرزا) فیروز تقریباً در سال ۱۲۷۲/۱۸۹۳ خ. متولد شد. وی چهارمین پسر فرمانفرما است. در مدرسه نظامی پتروگراد (لنین‌گراد) تحصیل کرده است. در جنگ جهانی اول بعلت مورد توجه بودن اوضاع جهانی داخل ارتش شد. در ۱۹۲۵ به ریاست ستاد دیویزیون جنوب منصوب شد. کاردانی و کارآیی خود را در سازماندهی و آموزش گروههای نظامی نشان داد. در همین سال بعنوان نماینده ارتش ایران به دهلی و مانور ارتش اعزام شد. در سال ۱۹۲۹ بعلت سوءظن پیدا کردن به وی از کار کنار گرفت. از آن به بعد او دیگر در تهران جرأت نداشت با سفارت پادشاهی تماس گیرد.

او به زبانهای انگلیسی و فرانسوی کاملاً آشناست. مردی روشنگر و باهوش است. بی شک وابستگی وی به خاندان قاجار در موقعیت وی نقش مهمی ایفا می‌کند. با برادرش نصرت‌الدوله فیروز روابطش بسیار صمیمانه است. اما با پدرش میانه خوبی ندارد. با دختر نمازی<sup>۱</sup> که تحصیل کرده هنگ کنگ است و زبان انگلیسی خوب می‌داند ازدواج کرده است.

۸۶- فیروز ، محمد ولی

محمد ولی فیروز سومین پسر فرمانفرماست که به سال ۱۲۷۴/۱۸۹۵ خ. دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را در بیروت و پاریس به پایان برده است. در سال ۱۹۱۵ به عنوان رئیس اداره مالیه به تبریز فرستاده شد. گفته می‌شود وی در این مأموریت سوء استفاده‌های مالی زیادی کرده است. گویا شخص معتقدیست. ثروت زیادی در تبریز دارد.

در ادوار ۴ و ۵ و ۶ به نمایندگی مجلس تعیین گردید. پس از رسوایی سال ۱۹۳۱ برادرش نصرت‌الدوله از او اسم زیادی در میان نیست. او مردی کوچک اندام و بسیار باهوش است ولی رژیم فعلی را نمی‌پسندد. اخیراً با روحیه خوب در اروپا دیده شده است.

۱- صفیه نمازی ... (الیگارش یا خاندانهای حکومتگر ایران) جلد ۱ صفحه ۱۰۰

۲- محمدولی فیروز بیشتر به (محمدولی فرمانفرمایان) معروف است.

آینده: آقای قاسمی فتوکی اوراقی از اصل انگلیسی این مجموعه را داده‌اند که در این شماره چاپ می‌شود.

NOT TO BE REPRODUCED PHOTOGRAPHICALLY WITHOUT PERMISSION

10.111  
(591/4/37)

1937  
12 APR 1937

BRITISH LEGATION,  
TEHRAN.  
199  
26th March, 1937.

Sir,

With reference to Sir John Simon's circular despatch No.W 1331/1331/30 of the 26th May 1935, I have the honour to transmit to you herewith a Revised Report on Leading Personalities in Iran.

2. I am indebted for the preparation of this Report to the Oriental Secretary to His Majesty's Legation. It will be observed that the Report has been considerably expanded, from 70 to 103 personalities. Its compilation has involved much labour and Mr. Trott is, I think, to be congratulated on the production of a Report which will preserve something of that wide knowledge of personalities in Iran, which has been so valuable an asset to His Majesty's Legation during his tenure of the post of Oriental Secretary.

I have the honour to be with the highest respect,

Sir,

Your most obedient,

Humble Servant,

The Right Honourable,

Anthony Eden M.C., M.P.,

etc., etc., etc.,

The Foreign Office,

London, W.1.

THIS DOCUMENT IS THE PROPERTY OF HIS BRITANNIC MAJESTY'S GOVERNMENT

ARCHIVES

133

PERSIA.

April 12, 1937.

CONFIDENTIAL.

SECTION 4.

[E 1972/1732/34]

Copy No. 3

*Mr. Seymour to Mr. Eden.—(Received April 12.)*

(No. 112.)

Tehran, March 26, 1937.

Sir,

WITH reference to Sir John Simon's circular despatch of the 28th May, 1935, I have the honour to transmit to you herewith a revised report on leading personalities in Iran.

2. I am indebted for the preparation of this report to the oriental secretary to His Majesty's Legation. It will be observed that the report has been considerably expanded, from seventy to 208 personalities. Its compilation has involved much labour, and Mr. Trott is, I think, to be congratulated on the production of a report which will preserve something of that wide knowledge of personalities in Iran, which has been so valuable an asset to His Majesty's Legation during his tenure of the post of oriental secretary.

I have, &c.

H. J. SEYMOUR.

Reference

CONFIDENTIAL OFFICE

NO. 37/10057  
COPYRIGHT - NOT TO BE REPRODUCED PHOTOGRAPHICALLY WITHOUT PERMISSION

18

69. *Esfandiari, Colonel Abbas Quli.*—Born about 1897. Third son of Hassan Esfandiary. Graduated at Saint Cyr in France, and joined the French army during the war; was wounded and captured by the Germans. Was a captain in the French army and received the Légion d'Honneur and the Croix de Guerre. Returned to Persia in 1919 and joined the gendarmerie with the rank of major. Married a daughter of Farman Farma in 1931. On special duty with the Haardt Citroen Trans-Asiatic expedition in 1931. Acting head of the 4th Bureau at army headquarters in 1932.

70. *Esfandiary, Abdul Hussein (Sadiq-ul-Mulk).*—Born in Tehran about 1895. Educated in Tehran. Joined the Ministry for Foreign Affairs 1917. First secretary at Brussels 1926. Recalled in 1931. Counsellor at Kabul 1933. Consul at Karachi 1934-36.

A relation of Haji Muhtashim-es-Saltaneh (Hassan Esfandiary). Rather a stupid individual, the inefficiency of whose methods caused travellers from Karachi to Iran a good deal of trouble in 1936.

Returned to Tehran 1936.

71. *Esfandiary, Asadullah Yamin (Yamin-ul-Mamalik).*—Son of the late Yamin-ul-Mamalik and a nephew of Hassan Esfandiary. Born in Tehran 1885. Educated in Tehran and Tiflis. Entered the service of the Ministry for Foreign Affairs in 1901; in 1908 had reached the rank of deputy chief of the Foreign Office Tribunal. Karguzar in Isfahan 1917. Governor of the Gulf Ports 1921-23. Consul-general at Baku 1924-29. Governor of Mazanderan 1930-32. Recalled from that post and under a cloud for some time.

Rather wooden and stupid. Has progressive ideas, as his wife was one of the first Iranian women to discard the veil, about the year 1925.



154. *Qaragozlu, Taghi*.—Born in Hamadan about 1891. The youngest brother of Ali Reza Qaragozlu. Educated in France. Owns large properties round Hamadan. Employed in the A.P.O.C. office at Paris 1928-29. Entered the service of the Ministry for Foreign Affairs in 1929 and sent to Rome as secretary. Returned two years later. Deputy Master of Ceremonies at the Court in 1934.

Speaks French and English. A handsome man with charming manners and two marriageable daughters.

155. *Qaragozlu, Yahya (Itimad-us-Saltaneh)*.—Born about 1890, son of the late Beha-ul-Mulk Qaragozlu. Educated in France, where he spent many years. Was once an Under-Secretary in the Ministry of Interior. Appointed in 1927 a counsellor in the Court of Appeal under the reorganised judiciary. In January 1928 appointed Minister of Public Instruction, but showed little aptitude in the affairs of his Ministry, to judge from the press attacks on the educational system. Qaragozlu was very friendly with Teymourfatche and Firuz Mirza, and it was by reason of that friendship that he was appointed Minister of Education. Chosen as special representative at the Persian National Art Exhibition held in London in January 1931. Resigned his post as Minister of Education in June 1933 as the result of complaints made against him concerning some examinations.

Is a landowner in the Hamadan district and is well off. He has a reputation for honesty and is conceited. Speaks French fluently.

205. *Yezdan Penah, General Murteza*.—Born about 1891; son of Mirza Ali Akbar, a small shopkeeper in the village of Serdasht. In 1907 Murteza Khan entered the Cossack Cadet School. Received his commission in 1912, showed strong pro-Russian sympathies, and consequently gained rapid promotion. Made lieutenant-colonel in 1919 and colonel in 1920. During the whole of his service he was intimate with Reza Khan, and accompanied him on the march to Tehran in February 1921 which culminated in the *coup d'Etat*. Was promoted general and given command of the Central Division. In July 1927 he fell from favour, and was put under arrest for a short time for an unknown reason. Whatever the suspicions against him were, they appear to have been unsubstantiated, for he was released very soon. In the autumn of 1928 he was appointed inspector of the army, and in the following year he was placed in command of the gendarmerie, but was superseded in 1930 and left without any active command.

Murteza Khan was always regarded until 1927 as a very loyal supporter of Reza Shah, but since his arrest in 1927, for no apparent reason, he appears to have lost confidence in the Shah. He is active, intelligent, ambitious, and a strict disciplinarian. His military ideas and his general education are very limited, but he has shown anxiety to learn. He is not popular amongst the troops, but is feared and respected. Holds aloof from foreigners, and is a strong opponent of foreign interference in Persia. In the event of anything happening to Reza Shah, Murteza Khan might again come to the fore. Speaks Russian.

Proceeded to Europe in 1933, but returned in December of that year, without receiving any employment at Tehran.